

ترجمه فرشید عطایی

فقط یکبار او را می‌بینیم.

دور از جنگ، در امریکا، تنها صحنه‌یی که به بیان تأثیر جنگ بر همسران و خانواده‌ها اختصاص داده شده هنگامی است که اخبار فاجعه‌بار در مورد مرگ شوهران و پدران‌شان به آن‌ها داده می‌شود. ما هرگز تقلاي آن‌ها را نمی‌بینیم که چگونه به تنهایی بار خانواده را به‌دوش می‌کشند، یا این‌که چگونه فوراً دست به کار می‌شوند تا اطلاعاتی را در مورد جنگ و وضعیت عزیزان‌شان به‌دست آورند. ماهرگز جولی را نمی‌بینیم تا بفهمیم که به فرزندانش که نگران پدرشان هستند چه جوابی می‌دهد، یا باربارا که به‌عنوان مادری جوان برای بزرگ کردن نوزادش به‌چه دشواری‌هایی برمی‌خورد.

ما سر باز بودیم علی‌رغم نیات نیکاش فقط یک فیلم دیگر در ادامه طولانی فیلم‌های جنگی بی‌پرده است که حوادث را با جزئیات واقع‌گرایانه نشان می‌دهند. فیلمبرداری، بسیار چشمگیر و مانند گزارش‌های خبری است، گویی مادر خطوط مقدم هستیم و داریم جریان حوادث را از پشت لنزهای دوربین گالووی می‌بینیم. وقتی سر باز کشته یا مجروح می‌شوند خون‌شان به‌روی صفحه نمایش‌دهنده شکت می‌زند. بسیاری از صحنه‌های نبرد با حرکت آهسته نشان داده می‌شود، فیلم ندوین سریع دارد که با موسیقی متن و آوازهای تکان‌دهنده، هماهنگ شده تا عاطفه را تحریک کند. وقتی سر بازها وارد «دره مرگ» می‌شوند احساس می‌کنیم که واقعاً با آن‌ها همراه هستیم.

شیوه انسانی موجود در ما سر باز بودیم از روی حس نیت است، اما این مفهوم در زمان اندک فیلم به‌طور کامل جا نمی‌افتد. اگر سکانس‌های مربوط به نبرد کوتاه‌تر و صحنه‌های آغازین فشرده‌تر می‌شد، در این صورت ممکن بود که این مضمون بتواند در فیلم نمود بیابد و آن حس لازم برای حفظ مبهم‌پرستی حال حاضر ما را فراهم کند. ما سر باز بودیم یقیناً فیلم بدی نیست، اما نمی‌تواند در مورد این‌که چگونه جنگ بر بازیگران اصلی تأثیر گذاشت، تصویر کاملی به ما ارائه دهد و متأسفانه، فیلم بیشتر به‌خاطر نمایش بی‌پرده و خشن صحنه‌های جنگ در خاطر می‌ماند تا نمایش عوارض عاطفی جنگ بر کسانی که فیلم قصد داشت نشان بدهد. □

که موثر به‌همان اندازه به همسر خود جولی (مدلین استو) و پنج فرزندش می‌بالد که به حرفه نظامی و سر بازانش. موثر به ستوان جک گنوگان (کریس کلین) و همسرش باربارا (کری راسل) به مناسبت تولد اولین فرزندشان تبریک می‌گوید و بعد با هم دعا می‌خوانند و راهی میدان نبرد می‌شوند.

در صحنه‌های جنگی فیلم، جو گالووی خبرنگار (بری پیر) به ما معرفی می‌شود. علی‌رغم پس‌زمینه نظامی قوی خانواده‌اش، گالووی می‌خواهد جنگ را به وسیله تصاویر و کلمات ثبت کند به‌گونه‌یی که مردم امریکا بتوانند بفهمند که در خطوط مقدم چه می‌گذرد. به‌هنگام اوج نبرد، استوار «بازل پلاملی» (سام الیوت) به گالووی دستور می‌دهد که دوربین‌اش را در برابر اسلحه معاوضه کند. هرچند گالووی مثل دیگران وارد نبرد نمی‌شود و حتی بدن نیم‌سوز یک سر باز را تا رساندن به یک هلیکوپتر نجات حمل می‌کند، اما سرانجام اسلحه‌اش را می‌اندازد و عکاسی را از سر می‌گیرد.

روایت جنبه انسانی جنگ به‌حوادثی که موجب لو رفتن محل اردوگاه امریکایی‌ها می‌شود، محدود نیست. تصاویر جالبی از موقعیت ویتنامی‌ها را در طول نبرد می‌بینیم، به علاوه آندوه آن‌ها را هنگامی که اجساد هم‌زمان کشته شده خود را انتقال می‌دهند. اما فیلم به وضوح بر موثر و گالووی متمرکز است؛ و فقط این دو شخصیت در فیلم دارای عمق هستند - بقیه شخصیت‌ها بسیار سطحی پرداخت شده‌اند. تنها هدف «استوار پلاملی» این است که مابین دستوراتی که پارس‌کنان به سر بازانش می‌دهد چند صحنه خنده‌آور برای آرامش ایجاد کند؛ ستوان گنوگان یک صحنه مهم در ابتدای فیلم دارد، اما در ادامه، قبل از این‌که مجروح بشود،

ما سر باز بودیم We Were Soldiers

نوشته دیوید لوین

سینمای بعد از ۱۱ سپتامبر به سهم خود فیلم‌های جنگی برای برانگیختن و حفظ حس وطن‌پرستی امریکایی‌ها تدارک دیده است. در چندماه اخیر ما بار دیگر جنگ در کوزوو را دیده‌ایم (پشت خطوط دشمن)، ما جنگ در سومالی (سقوط شاهین سیاه) و تازگی هم جنگ جهانی دوم (جنگ هارت). «ما سر باز بودیم» آخرین نمونه در این حمله بی‌امان فیلم‌های جنگی است؛ داستان براساس گزارش‌های واقعی اولین نبرد خونین در ویتنام. باوجود این‌همه فیلم جنگی که اخیراً عرضه شده‌اند، ما سر باز بودیم در حالی‌که سوار قطار سریع‌السیر وطن‌پرستی می‌شود وظیفه دشواری نیز برعهده دارد.

ما سر باز بودیم براساس کتابی ساخته شده به‌نام «ما روزگاری سر باز بودیم... جوان» نوشته سرهنگ دوم هارولد موثر و جوزف ال. گالووی، تنها خبرنگاری که داوطلب رفتن به خطوط مقدم جبهه برای ارائه گزارش دست اول از جنگ بود. میل گیبسون نقش هارولد موثر را بازی می‌کند، یک افسر واقع‌بین که مسئول بردن گروهی از مردان جوان ساده‌لوح به منطقه معروف به «دره مرگ» در ویتنام است. اما سرهنگ موثر و سر بازانش هنوز بر زمین فرود نیامده‌اند که محل استقرارشان با خطر مواجه می‌شود و متوجه می‌شوند که تعداد نیروهای دشمن ۵ به ۱ از آن‌ها بیشتر است. سر بازان امریکایی برای کنترل منطقه وارد نبرد مرگباری می‌شوند.

ما سر باز بودیم با نشان دادن عوارض عاطفی‌یی که جنگ بر سر بازها و خانواده‌هایشان برجا می‌گذارد با شیوه متفاوتی با مضمون داستان جنگی برخوردار می‌کند. یک سوم نخستین فیلم روندی بسیار کند دارد؛ در این یک سوم، فیلم تلاش می‌کند روابط بین شوهرها و خانواده‌هایشان، و همین‌طور افسران ارشد با زیردستان‌شان را نشان دهد. ما می‌فهمیم